

# تمدن سازي اسلامي ضرورتها و راهکارها

تمدن سازي اسلامي ضرورتها و راهکارها

ابراهيمي برهان سيد - گلو رضا محمد

تمدن - حضاره - ثقافه - civilisation

تمدن: یعنی سبک زندگی مجموعهای از انسانها که در یک دوره تاریخی در یک منطقه جغرافیایی زندگی میکردند و دارای هدف مشترکی بودند و دستاوردهای خاصی داشتند. یک جامعه بی هدف در تعریف تمدن نمیگنجد. تمدن دارای یک معنی ترکیبی و پیچیده است.

واژه تمدن یا شهربگری یا شهرمان به تلقیهای گوناگون از حالتی جامع انسانی میپردازد. اشاره به تکامل و شکلگیری روابط بشری یکی از جنبه‌های رایج این کلمه در زبان ادبی است کلمه تمدن از کلمه شهرنشین بوده و «یا شهروندان civis و شکل وصفی آن civils مشتق میشود».

تمدن روم قانون افراد غیر نظامی همه روی هم در یک کتاب بزرگ و کامل *civilis corpus juris* در سده 16 برای امپراتور روستیان 483 تا 565 پیش از میلاد جمع آوری شده است از سال 1388 کلمه *civil* به زبان انگلیسی وارد شده و به عنوان شدن به معنی قانونی که مراحل اعمال خیار و قانونی را برای شهروندان انجام میدهد در سال 1704 بکار رفته است. این واژه در سال 1722 با مفهومی نزد یک به واژه تمدن استفاده شده است که مخالف بربریت است.

الحضارة : هي نظام اجتماعي يتعايش فيه مجموعة من الناس يشكلو مع بعضهم البعض حضارة والتي تتألف من أربعة عناصر وهي: النظام الاقتصادي، النظام السياسي، النظام المعيشي والتي تكون طريقة ومبدأ العيش في الحضارة واختلاقياتها النظام الثقافي وهي التي تكون بالعلوم والفنون التي شكلتها تلك الحضارة والتي صنعت اشياء واكتشفت امور خلقتها بعد حضارتها.

الحضارة: هي نظام اجتماعي يعين الإنسان على الزيادة من انتاجه الثقافي ، وانما تتألف الحضارة من عناصر اربعة: الموارد الاقتصادية والنظام السياسية، والتقاليد الخلقية، ومتابعة العلوم والفنون وهي تبدأ حيث ينتهي الاضطراب والقلق لأنه اذا ما أمنَ الإنسان من الخوف ، تحررت في نفسه دوافع التطلع وعوامل الابداع والانشاء وبعدئذ لا تنفك الحوافز الطبيعية تستنهضه للمضي في طريقة إلى فهم الحياة وازدهارها([1]).

#### گسترش تمدن اسلامی

تمدن اسلامی که از زمان بعثت پیامبر عظیم الشان اسلام(ص) و از سرزمین مجاز آغاز گردید. در کوتاه ترین زمان ممکن به گسترش چشم گیری رسید به گونه ای که از ضلع غربی آن، اندلس، اسپانیا و پرتغال و کرانه های شرقی اقیانوس اطلس از ضلع شرقی آن تا آسیای مرکزی، دیوارهای چین و سیون کیانگ از شمال

تا بالکان و از جنوب تا کرانه های اقیانوس هند و آفریقای مرکزی گسترش یافت.

مسلمانان در این بستر پهناور جغرافیایی با انگیزه اسلامی به بسط علم، فلسفه هنر و اخلاق و سیاست پرداختند و از ویرانه های تمدن های پیشین بهره گرفتند و تمدن بزرگی را پایه ریزی کردند و به جهانیان عرضه داشتند.

بغداد، قاهره، قرطبه از مراکز ثقل این تمدن بودند.

علوم و فنون از جهان اسلام به اروپا سرایت کرد [21].

ذبیح [۱] صفا درباره عظمت تمدن اسلامی می گوید:

تمدن اسلامی به درجهای از عظمت و در مرتبتهای از کمال و پهناوری است که آگهی از همه ابواب و احاطه بر همه انحاء آن به واقع دشوار است و اگر کسی یافته شود که درصد این ادعا برآید باید به قلت اطلاع و گستاخی وی حکم کرد. مهمترین عنصر از عناصر این تمدن علوم شرعی و عقلی و علمی آن است که به زبان های عربی و فارسی تالیف و تدوین شده است [31]. شهید مطهری نیز در این باره می گوید:

پس از ظهور اسلام و تشکیل حکومت اسلامی و گرد آمدن ملت های گوناگون در زیر یک پرچم به نام پرچم اسلام تمدن عظیم و شکوهمند و بسیار کم نظیری به وجود آمد که جامعه شناسی و تاریخ آن را به نام تمدن اسلامی می شناسند. [4].

دوران طلایی اسلام با عصر شکوفایی و شرق اسلامی بنا بر آثار بر جای مانده و نوشته های کهن، قرن چهارم و پنجم هجری و بین میانه قرن هشتم میلادی تا میانه قرن سیزدهم میلادی تعریف می شود [51].

هنرمندان صنعت گران، فیلسوفان، دانش پژوهان، شاعران، جغرافی دانان، مهندسان، نویسندگان، شیمی دانان، فیزیک دانان، پزشکان، بازرگانان و دیگر دانشمندان جهان اسلام، نقش به سزایی در رشد پیشرفت و تکامل دانش ها و فنونی از قبیل کشاورزی، هنر، اقتصاد، صنعت، حقوق، ادبیات، دریا نوردی، فلسفه، شیمی، فیزیک جامعه شناسی، پزشکی و غیره ایفاد کردند.

یکی از دلایل رشد و شکوفایی اروپا در قرون وسطی، بهره گیری آنان از کتاب های دوران طلایی اسلام

بود.

مقام معظم رهبري در اين باره فرموده اند؛ وقتي که ملت ايران توانست خود را به آن نقطه اي برساند که بتواند به عنوان یک ملت مسلم به معنای حقيقي کلمه خود را به دنيا نشان بدهد اين بزرگترین تبليغ اسلام است و ملت هاي ديگر هم روانه ي همين طرف خواهند شد و تشکيل امت بزرگ اسلامي که مايه ي عزت و مايه ي ترویج اسلام در سراسر جهان است اتفاق خواهد افتاد. آن مدنيت اسلامي که انتظارش را داريم که بتواند بر مدنيت مادي، گمراه کننده و فاسد غربي غلبه پيدا کند. آن روز تحقق پيدا خواهد کرد. مقدمه اش اينجاست مقدمه اش اين است که ما ملت ايران بتوانيم به سمت الگو شدن پيش برويم خب همه بايد همت کنند همه مسئولين بايد همت کنند همه آحاد مردم بايد همت کنند. اين قضيه قضيه یک سال و دو سال نيست قضيه بلند مدت است.

زمان ميبرد کما اينکه در تمدن اسلامي اگر شما نگاه کنيد مي بينيد اوج تمدن اسلامي در قرن هاي چهارم و پنجم است که از لحاظ علمي سرآمد است و بزرگان، علما، محققين، فلاسفه و دانشمندان مادي در دنياي اسلام به وجود آمدند که دنيا را توانستند پيش ببرند. بسياري از اين پيشرفت هاي امروز غربي ها مرهون آن حرکت است خب امروز البته سرعت ما بيشتر خواهد بود ما سريع تر انشاء الله به آن نتيجه خواهيم رسيد. لکن بالاخره زمان پر است (61).

ايشان در فرمايش ديگري در مورد تبیین و توضیح تمدن اسلامي و ارزش هاي آن توسط سازمان هاي همچون مجموعه التقريب بين المذاهب الاسلاميه و همچنين نقش مهم علماء و دانشمندان اسلامي در اين زمينه مي فرمايد: امروز نوبت ما است و امروز نوبت اسلام است «و تلك الايام ندوالها بين الناس» امروز نوبت مسلمين است که با همت خود تمدن اسلامي ما را شالوده ريزي کنند همچنان که اروپايي ها آن روز از دانش مسلمين استفاده کردند ما هم امروز از دانش جهان استفاده مي کنيم از ابزارهاي موجود جهاني استفاده مي کنيم براي برپا کردن تمدن اسلامي، منتها با روح اسلامي و با روح معنويت اين وظيفه امروز ما است اين عمدتاً خطاب به علماي دين و روشنفکران راستين است؛ بنده ديگر چندان اميدي به سياست مداران ندارم. قبلا تصور مي شد که سياست مداران دنياي اسلام در اين راه بتوانند کمک کنند اما متاسفانه اين اميد ضعيف شده است امروز اميد ما به علماي ديني در سراسر دنياي اسلام و به روشنفکران راستين است که غرب قبله ي خودشان ندانند، اميد به آن است اين کار شديني است اين کار عملي است، دنياي اسلام ابزارهاي فراواني دارد ما جمعيت خوبي داريم، سرزمين هاي خوبي داريم، موقعيت جغرافيايي برجسته اي داريم، منابع طبيعي بسياري در دنياي اسلام داريم. نيروهاي انساني با استعداد و برجسته اي در دنياي اسلام داريم که اگر اينها را با تعاليم اسلام مستقل بار بياوريم مي توانند آفرينش هاي هنرمندانه ي خودشان را در عرصه ي علم، در عرصه ي سياست در عرصه ي فناوري و در عرصه هاي گوناگون اجتماعي نشان بدهند و ارائه بدهند (71).

ايشان همچنين با توجه به نقش اقوام و مذاهب مختلف در تشکيل تمدن اسلامي مي فرمايند:

ایران یکپارچه با اقوام مختلف و متعدد دارای یک هدف، دارای یک مسیرند بلکه ممکن است زبان ها مختلف باشد. مذهب مختلف باشد اما (هدف عالی این ملت یکسان است. همه می خواهند ایران عزیز را به عنوان الگویی یک کشور اسلامی به دنیا معرفی کنند. الگویی کشور اسلامی هم به معنای این نیست که در این کشور همه مردم فقط مشغول نماز و روزه و دعا و توسلاتند نه این هاهیت اینها معنویت است اما در کنار طرف این معنویت پیشرفت مادی هست رشد علمی هست اینها معنویت است.

اما در کنار این معنویت پیشرفت مادی هست رشد علمی هست توسعه ی عدالت هست کم شدن فاصله های طبقاتی هست، برداشته شدن نمونه ها و قله های اشرافی گری هست خصوصیت جامعه ی اسلامی اینهاست. آن وقت در یک چنین جامعه ای مردم خوشبختند احساس امنیت می کنند به سمت اهداف عالی ی خود پیش می روند خدا را عبادت می کنند پیشرفت دنیوی هم نصیب آن ها می شود ملت ایران دنبال یک چنین جامعه ای استو همه این را میخواهند: شیعه و سنی ندارد. کرد و بلوچ و فارسی و ترک ندارد. همه دنبال این هستند خب این می شود یک الگو، وقتی الگو شد وقتی نمونه سازی شد. آن وقت ملت های دیگر مسلمان هم راه را پیدا می کنند [81].

عده زیادی از اندیشمندان مسلمان علاوه به اصول ارزشی خود عقاید و دانش اخلاق متفکرین گذشته را که بر پایه اصول بشر دوستانه عقلانی و مباحثات علمی ..... نیاه شده بود پی گیری کرده و آن ها را مبنای پژوهش های خودشان قرار دادند آثار زیادی از نوشته جات و کتاب های اسلامی از قرون میانه اسلامی بر جای مانده است که به موضوعاتی نظیر شعر، عشق، تاریخ، فلسفه ادبیات و خدانشناسی پرداخته اند. مروری بر این آثار آزادی اندیشه های متفاوت را در آن عرصه ارزش های اسلامی بودند کمک بزرگی در توسعه ارتباطات ادیان و اختلاط فرهنگ و خود مسیحی یهودی و اسلام کرد و این آغازگر یک دوره جدید فلسفی و فکری در سده های میانی یعنی قرن هشتم تا سیزدهم میلادی بود دلیل دیگری که باعث رشد جهان اسلام در این برهه زمانی شد آزادی بیان و سخنوری بود [91].

از میان اندیشمندان به نام جهان اسلامی می توان از بزرگانی همچون ابوریحان بیرونی، جاحظ، ابو یوسف کندی، ابن سینا، شریف ادریس ابن باجه، ابن زهره ابوه طفیل ابن رشد، جلال الدین سیوطی، جابر ابن حیان، عباس ابو فرناس، ابن هیثم، ابن نفیس، ابن خلدون، محمد موسی خوارزمی، علی ابن حسین مسعودی، مقدسی، بدیع الزمان جزری، فخر رازی، امام غزالی را می توان نام برد که ستارگانی در آسمان درخشان شکوفایی و درخشش تمدن اسلامی بوده اند [101].

برنار دلویس در این باره می گوید:

درجهان اسلام در موارد اضطرار، مسلمانان بارها این تمایل را نشان داده اند که در قالب یک وحدت

دینی هویت بنیادین و ایمان خود را باز یا بند یعنی هویتی که نه با معیارهای قومی یا سرزمینی بلکه به وسیله دین اسلام تعریف شده است ([11]).

همچنین گوستا ولو بون در کتاب ارزشمند تاریخ تمدن اسلام و عرب مینویسد شکی نیست که اقوام زیادی بر ممالک مشرق استیلا یافته اند.

ایرانی یونانی رومی و غیر آن ها در ازمنه مختلفه سلطنت نموده اند. راست است که اقتدار و نفوذ سیاسی و عسکری آنان همیشه به سرحد کمال بوده است ولی تاثیرات تمدنی آن ها عموماً ضعیف و غیر از همان شهرهای که مرکز اقامت و پایتخت آنها بود هیچ وقت نتوانستند که مذهب و زبان یا علوم و فنونی خود را در اقوام مغلوبه منتشر سازند. مملکت مصر در عصر خاندان بطلمیوس بنا نموده اسلوب و سبک معماری فراغنه مصر بوده و نتایج را که ایرانی و یونانی و رومی در مشرق نتوانستند حاصل کنند مسلمین با قدم سریعی بدون اجبار حاصل نمودند ([12]).

وی همچنین اشاره می کند:

اگر چه از چندین قرن است که خلافت عرب دست خوش فنا و زوال گشته لکن این وقت هم از اقیانوس اطلس تا رود سند و از دریای مدیترانه تا صحرای آفریقا یک مذهب و یک زبان حکم فرماست و آن مذهب و زبان پیامبر اسلام (ص) می باشد.

نفوذ مزبور در ممالک شرق منحصر به زبان و مذهب و صنایع نبوده بلکه در علوم و ادبیات هم تاثیر نمایانی بخشیده چنانکه به وسیله روابطی که همیشه با هند و چین داشتند علوم را در آن ممالک انتشار دادند که اهل اروپا آن علوم راهبرها به اهل هند و چین نسبت می دهند ([13]).

روشن است در مطالعه تمدن و تاریخ اسلامی صرف نظر از ماهیت حوادثی که مورد بررسی قرار می گیرد.

باید پیش از هر چیز در پی تداومی بود که مانع از پیدایش وقفه هایی مشخصی در مسیر رویدادها می شود اما از سوی دیگر تأخیرها و تعجیل های حوادث و تغییر جهت ها و مسیر گزینی ها و شدت آن ها ما را رهنمون می شود تا در صدد تعیین دوره های برآیم که هر یک به سبب جنبه خاص خود متمایز است به همین علت است که حتی مجبور می شویم گسستگی هایی را در مقاطع زمانی که به نظر ما متمایز کننده چرخش در حوادث تاریخی مورد مطالعه اند را مشخص سازیم.

با توجه به آنچه گفته شد در مسیر پر پیچ و خم و فراز و نشیب تمدن درخشان اسلامی گسست ها و گسل

هاي متعددي پيدا شده كه توانسته براي مدت زماني محدودې مانع گردش اين تمدن گردد اما اين جريان قدرتمند و فرهنگي با استفاده از انرژی معنوي و الهي خود اين موانع را از راه برداشته و به راه خود كه همان راه خدا و پيامبر او(ص) و ائمه اطهار عليهم السلام بوده ادامه داده و اينك جهان بار ديگر در پي كشف شناسايي و پذيرش ارزش هاي مادي و معنوي اين تمدن بزرگ و الهي است.

آلدوميه لي در اين باره مي گوید:

پيامبر اسلام(ص) بهره مند از آن نيرويي والايي بود كه دارنده خود را بر توده ها مسلط مي سازد. نيرويي كه خاص افرازي است كه دست تقدير آنان را براي اعمال تاثيرگذاري قاطع بر انسان ها برگزيده است بدین گونه بود كه از نخستين وحی الهي مبني بر فرمان به اعتقاد به ا [يعني خداوند يكتا، آفريننده و مالك يگانه جهان، حادثه اي كه زمان آن را مي توان سال و هم پيش از هجرت دانست. پيامبر (ص) نه تنها به دعوت مردمان جامعه كوچك مکه بلکه مردمان شهر پيامبر يعني مدينه النبي(يثر بقديم) و همچنين برخي از مردمان شهرهاي پراكنده عربي چه مسيحي و چه يهودي پرداخت پيامبر(ص) به زودي موفق شد كه در بين آنها وحدتي بي مانند پديد آورد وحدتي ناشي از شوق و شوري عجيب كه در نمازها و يا در ميدان هاي جنگ متجلي مي شد.

به دنبال پيامبر(ص) و جانشينان او يعني خلفا وزير فشار تمايلي شديد براي اشاعه ديني و به دست آوردن غنايم از كشورهاي ثروتمند كه خارج از مرزهاي صحاري آنها قرارداد داشت به نفع امت اسلامي، پا از شبه جزيره عربستان بيرون نهند و اسلام، يا سيطره اسلامي را بر بخش عظيمي از جهان متمدن عهد باستان مسلط ساختند(141)..)

در دوره زماني و برهه خاصي كه اكنون ما مسلمانان در آن قرار گرفته ايم مسلمين پس از پشت گذاشتن دوران استعمارگري قديم و تجربه استعمار جديد با استفاده از آموزه ها و هدايت هاي ديني و معنوي و استفاده از رهنمودهاي عالمان و روشنفكران ديني

والهام گرفتن از انقلاب شكوهمند اسلام در ايران و نهضت هاي مختلفي كه در گوشه و كنار جهان و اسلام يا نام بيداري اسلامي و يا بهار عربي به راه و روحيه هاي عالي و قدرتمند وضعيت مناسب جديده را براي شكوفايي تمدن بي نظير اسلامي را به وجود آورده اند.

وميتوان ادعا كرد كه جهان به زودي زاينده و توليد كننده حركت و معنويتي خواهد بود كه انرژی خود را از قدرت لايزال الهي و آموزه هاي فرهنگي اخلاقي و اجتماعي دين مبين اسلام گرفته است.

آنچه امروز تا حدی توانسته مانع رشد و پیشرفت سریع این حرکت و جنبشی معنوی و تمدنی گردد. وجود گروه‌های تندرو، افراطی متعصب، و تمدن‌گریز و علم‌گریز و ضد دینی است که خود را در پوشش اسلام خواهی سلفی‌گری و مبارزه طلبی پنهان ساختند و با اعمال جنایت کارانه و حشیگری، قتل و آدم‌کشی، تخریب اماکن فرهنگی و تاریخی مربوط به مسلمانان و دیگر جوامع پیش‌گرفته‌اند که چهره تمدن اسلامی و مسلمانان دو را در نزد ملت تند و خشن بعضی از گروه‌ها در کشورهای غیر اسلامی نسبت به مسلمانان ساکن آن کشورها گردیده است.

اینک به مسائل و عوامل کند شدن، بازدارندگی و گسترش تمدن اسلامی به ملت رفتارها و بدبینی غیر مسلمانان به دین و تمدن اسلامی می‌پردازیم: یکی از بزرگترین این عوامل اندیشه و افکاری است که به نام سلفیه خود را عرضه کرد.

سلفیه در تاریخ فرهنگ اسلامی لقبی معروف برای کسانی است که عقایدشان را به احمد ابن حنبل (241هـ) منسوب می‌گرداند (بلیغت ابو زهره 311) روزگار احمد بن حنبل مصادف بود با شکل‌گیری عصر اول عباسیان (132 - 1232هـ) پیدایش حرکت‌های دینی و سیاسی [15].

بلندگی برخی از علوم اسلامی و نهفت ترجمه [16].

اندیشه‌های سلفیه در قرن هفتم با طرح مسائل کلامی بیسابقه از سوی ابن تیمیه (661 - 728هـ) و شاگردش ابن قیم جوزی (691 - 751هـ) و در قرن دوازدهم از سوی محمد ابن عبدالوهاب (1111 - 1306هـ) احیا گردید، [17]، [18].

مهمترین آراء و عقاید سلفیه عبارت است از:

1 - تبعیت و پیروی از سلف صالح؛ سلف صالح از نظر ایشان محدود به صحابه و تابعین با پیروان ایشان می‌شود.

این در حالی است که سلفیان جدید، مرز زمانی و عقیدتی صحابه و تابعین را شکسته و افکار خود را بیشتر به افکار و آرای ابن حنبل و ابن تیمیه مستند ساختند، اعاده خلافت اسلامی از پیامدهای اعتقاد به اندیشه پیروی از سلف است [19].

2- تاکید بر نقل و مخالفت با علم و دانش جدید.



آنان منقولات دینی و احکام شرعی را برادادهای علمی و عقلی مقدم میدانند. علم و عقل هنگامی مفید است که در جهت شرع باشند. علوم مختلف باید انسان را برای آخرت و انجام امور معنوی آماده کند از این جهت عقل بشری فتنه‌اند زیرا انسان را از خدایی نیاز میکنند (201).

### 3- تمسک به ظواهر نصوص قرآن و سنت:

سلفیان جدید با تکیه بر معانی ظاهری متون دینی و فارغ از هرگونه تفسیر و تأویلی به توجیه فعالیتها، احکام شرعی و تکالیف خود میپردازند صالح ثریه میگوید:

میتوان به اسلام حقیقی بازگشت مگر با رجوع به قرآن، وحدیث نبوی کتاب و سنت به شعاری بی معنا تبدیل شده است. زیرا افرادی که این شعار را میشناسند کاملاً از سنت غفلت کرده‌اند. ما ناچاریم کتاب و سنت را در کنار هم مطالعه کنیم و سیره را به عنوان الگو آموزش دهیم (211).

### 4- توسعه معنای و مصادیق شرک و کفر:

شرک و کفر نزد سلفیان قدیم: بیشتر گونهای از عبادات و عقاید فردی بود مثل توسل به اولیاء، نذر، شفاعت، زیارت قبولی، ولی شریک و کفری که سلفیان جدید به آن معتقدند و از آن به کفر جدید» تعبیر میکنند همه شؤون زندگی اجتماعی و مدنی شخصی را در برمیگیرد.

آنان آراء فلسفی، عضویت در احزاب سیاسی، اشتغال در ادارت و سازمانهای دولتی مراسم و آیینهای مذهبی و دیپلماتیک را از مصادیق شرک میدانند (221).

### 5- تأکید بر اصل جهاد

رساله الفریضه الغائبه پرشورترین آرای جهادی ابن تیمیه و عبدالسلام فرج را در خود دارد. این رساله که با تأکید بر اهمیت جهاد و نقل احادیثی با مضمون فتح و پیروزی اسلام آغاز میشود. سعی دارد مؤمنان را به بازگشت اسلام در عصر کنونی بشارت دهد. عبدالسلام فرج میگوید با وجود تأکیدات فراوان قرآن بر «اقامه دولت اسلامی» اجرای این تکالیف الهی به فراموشی سپرده شده است و از آنجا که اجرای احکام الهی بر مسلمانان واجب است اقامه دولت اسلامی نیز واجب خواهد بود پس اگر اقامه دولت اسلامی راهی جز جهاد و قتالی نداشته باشد جهاد بر مسلمین واجب میشود (231).

القاعده: از 11 سپتامبر 2001 مبارزه القاعده شروع و در سال 2003 با ظهور زرقاوی در جنگ عراق

شدت گرفت در سالهای 2006 و 2007 در عراق درگیریهای مذهبی به وجود آمد و در سال 2009 نیز با ورود شبکههای ماهواره‌ای درگیریهای مذهبی به وجود آمد و در سال 2009 نیز با دور شبکههای ماهواره‌ای تفکیری نمان تکفیرهای عرب زبان به صحنه دوره جدیدی در جریانات تکفیری به وجود آمده پس از آن تقریباً دوره سکوت نسبی را شاهد بودیم تا در سال 2013 به ویژه با آغاز درگیریهایی که میان امت اسلامی و داعش به وجود آمد وارد مرحله جدیدی از فعالیتهای القاعده و انشعابات آن میشویم. [24].

زرقاوی در اواخر سال 2005 و اوایل سال 2006 «مجلس شورای مجاهدین» در عراق را تشکیل داد این مجلس به رهبری شهروندی عراقی به نام «عبدالله رشید البغدادی» که از اسم و شخصیت آن پیداست که مستعار است اداره میشود.

در سال 2006 سه اتفاق مهم در حوزه گروههای افراطگرا رخ داده حادثه نخست کشته شدن ابو مصعب الزرقاوی نایب رئیس مجلس شورای مجاهدین عراق بود.

حادثه دوم تشکیل «حلف المطیبین» در سپتامبر 2006 بود.

حادثه سوم در ماه بعد رخ داد و آن تأسیس دولت اسلامی عراق به رهبری «ابو عمر البغدادی» با نام واقعی «حامد الراوی» بود.

این گروه نیز ادامه دهنده روشهای زرقاوی بود. ضد دولت عراق و نیروهای آمریکایی.

و در راستای جنگ مذهبی و طایفهای حرکت میکرد علاوه بر شیعیان اهل سنت مخالف را نیز هدف قرار میداد. تا اینکه شوراهای بیداری علیه این گروه تشکیل شد و به قدری تضعیف شد که به دنبال ایجاد محیطهای مخالف با آن اندیشه تند رو تا مرز فروپاشی پیش رفت در سال 2008 فعالیت آن رویه پایان بود تا اینکه در سال 2010 ابو عمر البغدادی رهبر گروه و معاونش «ابو حمزه المهاجر» رهبر القاعده عراق کشته شدند. [25].

پس از آن رهبری سازمان دولت اسلامی به دست «ابراهیم عواد علی ابراهیم البدری الحسینی» یا همان ابو بکر بغدادی افتاد.

آنان اقدام به ترویج منازعه، مبتنی بر مذهب و قومیت کردند و پس از در اختیار گرفتن سلاح و مهمات در سوریه بخشی از آنها را به عراق منتقل کردند و توانشان دهها برابر افزایش یافت این یک جهش بزرگ منحصر به فرد در گروه بود گروه در سطح مالی و نظامی به امکانات زیادی دست یافته بود به

ویژه اینکه تعدادی از چاههای نفتی عراق و سوریه را در اختیار گرفته بود پیش بینی میشود نفوذ این گروه در کشورهای دیگر وصف بندی و یارگیری مذهبی فتنه‌های جدید را برای منطقه و جهان به دنبال داشته باشد.

از سوی دیگر به دلیل وضعیتی که اکنون بعضی از کشورهای اسلامی یا عربی با افزایش فشارهای اقتصادی، سرکوب، فساد، فقدان آزادی، احترام نگذاشتن به نظر صاحب نظران، به حاشیه رانده شدن در تقسیم مناصب دولتی جوانان این کشورها بدون داشتن دانش شرعی و دین علاقه‌مند به اجرایی شدن احکام دینی هستند. و این مسئله باعث گرایش بعضی از جوانان مسلمان به عضویت در گروه دولت اسلامی شده است.

باید اذعان داشت که: آینده منوط به حوادث و متغیرها است. (261).

گرچه گروهی القاعده را يك ارتش اعتقادی دانسته و در عقاید خود بسیار پایبند میدانند اما تندروی، غلو، تکفیر، ترور، هدف قراردادن مخالفان، برداشت يك جانبه از اسلام باعث تضعیف آنان او خواهد شد.

هسته مرکزی و شاخه‌های القاعده.

هسته مرکزی: اعضای جهاد جهانی که در سال 2001 حملات 11 سپتامبر را در نیویورک و واشنگتن ترتیب داده بود. و توانستند جان سالم به در ببرند اسامه بن لادن در اواخر 1980 این گروه را تأسیس کرد. رهبران گروه پس از عملیات‌های افغانستان در سال 2001 متفرق شدند و در پاکستان و افغانستان پناه گرفتند. (271).

القاعده در مغرب اسلامی: گروهی مسلح که در کشور مالی در شمال آفریقا تشکیل شده است و به طور عمده جنگ جویانی از الجزایر و مالی دارد در اصل به عنوان GSPC تأسیس شده است رهبر آن «حسن خطاب» از الجزایر است رهبر محلی ابو مصعب عبد الداود است. (جدال در توحش - حسین میرنظوی)

که يك جنگ جوی کهنه کار عرب افغان به نام مختار بلمختار وابسته به Aqim را در جنوب به راه انداخت عملیات این گروه علیه نیروهای مالی و الجزایر، سیلی از اعضای جدید خارجی مثل برخی افراد مشهور بین المللی را برای گروه به ارمغان آورد.

القاعده در عراق: يك گروه تندرو تکفیری که پس از حمله آمریکا به عراق در سال 2003 در نتیجه شورش ضد آمریکایی به وجود آمد AQI بر دنبال این بود که نیروهای آمریکایی را از عراق بیرون راند و

به گفته خود دولت اسلامی را تأسیس کند. (281).

اما شهرت این گروه به دلیل خون ریز بودن آنهاست مثل کشتن بی رویه شهروندان عراقی که باعث شده حامیانی در میان مسلمانان معمولی در جهان پیدا کند رهبر آن به نام ابو مصعب الزرقاوی تا پیش از مرگش در آمریکا در سال 2006 در یک حمله موشکی این گروه را رهبری میکرد و در به راهاندازی جبهه النصره همکاری زیادی را داشت.

القاعده در شبه جزیره عربستان: یک گروه افراطی است که در یمن پایه ریزی شد این گروه از ادغام القاعده در عربستان و یمن تشکیل میشود. (291).

در پی به دست آوردن جایگاهی در یمن است از جمله حرکات آن عملیات علیه آمریکا در 25 دسامبر 2009 بود که تلاش کردند بمبی را در هواپیمای مسافربری دیترویت منفجر کنند «انور عولقی» رهبر این گروه بود که یک شهروند آمریکایی بود.

الشباب: این گروه در سوماتی مرکزی و جنوب پایه ریزی شد این گروه یک گروه سازمان یافته آزاد است که اعضای آن از ناهمگونی قبایل شرق آفریقا مثل جوامع مهاجر سوماتی در آمریکا و اروپا استقبال میکند رهبر آن «شیخ مختار علی زین» و «احمد عبیدی محمد» ادعا دارند که با القاعده در ارتباط هستند این گروه از سال 2011 پس از بیرون رانده شدن از مگادیشو و چند ژایالتی بسیاری از پایگاههای جغرافیایی خود را از دست داده است (301).

4- جامعه اسلامیة: این گروه یک گروه تروریستی باشالوده اندونزیایی است که نام آن به معنی انجمن اسلامی است و در جنوب شرق آسیا به بسیاری از حملات خبر ساز علیه اهداف غربی مرتبط بوده که مهمترین آن بمبگذاری سال 2003 در یک کلوپ شبانه در جزیره بالی اندونزی است که بیش از 200 کشته بر جای گذاشت رهبر آن را «اریس سومار سونو» یک فرمانده عملیاتی که با نام جنگی ذو القرنین شناخته میشود.

از عقاید سخیف و غیر انسانی گروههای تکفیری این است که میگویند «هر کس کافر را تکفیر ننماید خود او هم کافر است» آنان به مردم بیگناه حمله میکنند و آن دو را قتل عام مینمایند و استدلال میکنند که آنان شهروندان جامعهای کافر هستند که حدود خداوند را رعایت نمیکند مهمترین گروههای تروریستی که مقر آنها در سینا است عبارتند از: (311).

گروه تکفیر و هجرت ، سازمان پرچمهای سیاه ، سازمان سلفیت جهادی سازمان انصار الجهاد ، سازمان

مجلس شورای مجاهدین، گروه توحید و جهاد) پدیده تکفیر پدیده این است که در صورت اطلاقش برهرامری، هر اقدامی را در باره آن مباح و جایز میسازد مانند قتل شکنجه، تجاوز.

تکفیر یکی از شومترین پدیده‌های است که جهان اسلام با آن مواجه است. زیرا فرد تکفیری فردی؛ سطحی نگر است و هر اختلاف نظر بین خود و دیگران را کفر قلمداد میکند و تفکری است تجزیه گرا که عامل تفرقه است نه اتحاد، تکه تکه میکند نه ترکیب. ([321]).

و در عین حال اعمال جنایت کارانه خود را مشروع دانسته و خود را رحمتی از سوی خدا میداند. گروه‌های تکفیری تهدید کننده و تخریب کننده و جه دین آسمانی اسلام میباشند و تهدیدی خطرناک برای خاور میانه میباشند.

همچنین این گروه‌های تکفیری استقلال دولتها و ملتهای منطقه را هدف قرارداده و با به خطر انداخته‌اند و به تهدیدی برای همگان تبدیل شده‌اند. ([331]).

تکفیر و تروریسم به دلیل داشتن خشونت و ویرانگری در بطن خود شتاب حرکت و درآمدهای اقتصادی را تهدید میکنند. علاوه بر این به خطری برای ارزشهای داخلی، رفاه اقتصادی و توسعه به عنوان جوهره امنیت تبدیل شده‌اند. زیرا تهدید کننده ثباتی به عنوان عامل اصلی جریان توسعه است. و با به چالش کشاندن ابهت و احترام و جایگاه حاکمیت و فروپاشی نظم اجتماعی و صلح و همزیستی داخلی محدودیتی برای توانایی دولت در عرصه بین المللی است و بر همه عناصر قدرت ساز دولت تأثیر بسیازی میگذارد.

تروریسم ابزاری بود که اسرائیل را شکل داد. و تبدیل به ابزار قدرتهای سلطه جو ضد مسلمانان گردید.

تروریسم: در تلاش است تا به تحریک فرقه‌گرایی و ایجاد تنش میان کشورها و تقسیم بندی مذهبی آنها در چارچوب سنی و شیعه و دیگر مذاهب اسلامی بپردازد.

تروریسم: دین را به عنوان نقاب و پوششی برای سیاست قرارداده است و در وراء آن مجری سیاستها و برنامه‌های استعماری دول سلطه جو برای تضعیف اسلام و مسلمانان میباشد.

اندیشه تکفیر: فکری عقب مانده و سلفی و عقبگردی تاریخی است که با اهداف مشکوک به دنبال بازگرداندن عقربهای زمان به سمت گذشته است تا امنیت و ثبات منطقه و رشد و شکوفایی تمدن اسلامی و عزت و اقتدار مسلمانان را تهدید نماید. ([341]).

تکفیر: جریان‌ی است در مقابل جبهه مقاومت که فرایندی است برای مقابله با نظام سلطه، از آن جایی که ایران به عنوان محور اصلی جبهه مقاومت در خاورمیانه غربی آسیای جنوب غربی، و شمال آفریقا تلقی میشود. گروه‌های تکفیری نقش مقابله‌گرا با اندیشه‌های سیاسی و الگوهای راهبردی ایران اسلامی را در دستور کار قرار داده‌اند.

جریان تکفیر: یا از میان بردن آثار و ابنیه تاریخی و فرهنگی مسلمانان و عرب و دیگر ملت‌ها تلاش میکند جامعه‌های بدون پیشینه فرهنگی و براساس آموزه‌ها و برداشتهای خود از ایدئولوژی تکفیری بنا نماید.

آنها دو براساس آموزه‌های و هابی و تکفیری خود از ابن تیمیه و بو مصعب زرقاوی هرگونه بقاع متبرکه را بدعت در دین میدانند و اقدام به تخریب آن میکنند. (351).

آنان در حالی که نعلین چرمی و کلاه عبدالعزیز، مؤسس حکومت آل سعود را در محفظه‌های تزئین شده نگه داری میکنند. و متبرک میدانند، به تخریب قبور ائمه علیه السلام بقیع و آثار تاریخی با میان در افغانستان تخریب قبور صالحین، اصحاب و علمای مورد احترام اهل سنت مینمایند.

آنان پس از تصرف شهر موصل که یکی از شهرهای تاریخی جهان با آثار گسترده و متنوع فرهنگی و باستانی میباشد. مرقد حضرت شیث (ع) جرجیس نی(ع) و بارگاه مقدس حضرت یونس نبی را به وسیله بمب تخریب کردند.

و نماد. نهمد ساله شهر موصل در عراق را تخریب کردند که به دلیل داشتن انحنای به «مناره الحدباء» معروف بود.

تنها در يك اقدام پنجاه قبر در گورستان السعديه در شمال شرق بعقوبه را با استفاده از بلدوزر تخریب کردند مقبره «سلطان عبدا» ابن عاصم ابن عمر بن خطاب» که زیارتگاه اهل سنت بود را تخریب نمودند. و مزار احمد الرفاعي یکی از مشایخ صوفیه را تخریب نمودند. (361).

علل تشکیل و گسترش نیروهای تروریستی در چند بند کلام کرد که عبارتند از:

1 - مقابله با راهبرد تمدن‌سازی اسلامی.

2- اداره گروه‌های تکفیری توسط قدرتهای بزرگ.

3- مقابله با رشد گرایش به اسلام .

4- اسلام هراسی

5- مبارزه با جمهوری اسلامی.

6- شیوه راهبردی که غربیها از آن برای فروپاشی امپراطوری عثمانی استفاده کردند و اکنون دو باره آن را تجربه میکنند.

7- فتنهگری در منطقه.

8- ایجاد تفرقه و نزاع و کشمکشهای فرقه‌ای میان مسلمانان.

در پایان متذکر می‌گردد غرب به ویژه آمریکا و اسرائیل تلاش میکنند تروریسم و مقاومت مشروع را یکی دانسته و مقاومت جانانه مردم فلسطین ، حماس و مقاومت لبنان و حزب الله را به عنوان حرکت و جریان‌ی تروستی به جهان‌یان معرفی نمایند نصر حامد ابوزید در این باره می‌گوید:

کنار هم نهادن مقاومت فلسطین، حماس، و مقاومت لبنان حزب الله و حکومت‌های ایران و سوریه در يك سید که تروریسم نام دارد و کنار همه قراردادن هم‌های اینها کنار «القاعده» نشان از طرحی هراس آور دارد که باید از آن حذر کرد([371]).

لذا شرکت کنندگان فرهیخته و اندیشمندان ارجمند را به این مسئله مهم و اساسی متوجه می‌سازم که زیرکی و هوشیاری یکی از خصوصیات و ویژگی‌های مؤمنین و متقین بوده و باید با درک درست و تفکیک مسائل مختلفی که در جهان اسلام در حال انجام است، واقعیتها را به گونه‌ای برای جوامع اسلامی بیان نمود که دشمنان نتوانند کیاست و سیاست و شعور و عقلانیت ما را به مسخره بگیرند. همچنین لازم می‌بینیم پیشنهاداتی را مطرح نمایم که امیدو است بتواند ما را درگرفتن تصمیم درست و عملکرد مناسب در وضعیت کنونی یاری نماید.

1 - مطالعه هرچه بیشتر موقعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی جهان اسلام.

2- آشنایی با نقشه‌ها و برنامه‌های استعماری دشمنان اسلام جهت سیطره بر منابع مادی و معنوی مسلمانان .

- 3- مبارزه علمی، فکری، فرهنگی و در صورت نیاز نظامی با جریانهای تروریستی و تکفیری که سعی در برنامه کردن چهره رحمانی اسلام را داشته و عامل برای نقشه‌های استعمارگران گردیده‌اند.
- 4- توجه دادن، روشنفکران، دانشجویان، جوانان جویای حقیقت به موقعیت تاریخی و تمدنیشان و تشویق آنان به علم آموزی و پیدا کردن جایگاهشان در دنیای جدید.
- 5- مدارا، عدم تعرضی، عدم توهین، واحترام و تکریم پیروان ادیان و مذاهب نسبت به همدیگر و همچنین در خلقت نسبت به همه انسانها که بنا به تغییر امیر المؤمنین یا برادران دینی آنان و یا در خلقت انسانهای همانند آنان ما باشند.
- 6- متذکر شدن آیات و احادیثی که مبنای فضیلت و امتیاز انسانها را تقوای الهی و خدمت به بشریت قرارداده‌اند. همچون آیه 13 - - سوره مبارکه حجرات و نامه معروف حضرت علی(ع) خطاب به مالک اشتر (نامه 53) نهج البلاغه.
- 7- تبیین و تشریح مفهوم امت اسلامی و اخوت اسلامی و تلاش جهت کاربردی کردن این مفهوم ارزشمند متعالی.
- 8- یاری رساندن به مسلمانان محرومین و گرفتاران در دست ظالمان و غاصبانی همچون اسرائیل و گروههای تروریستی و تکفیری.
- 9- تعاون و همکاری مثبت میان دولتها و ملتهای اسلامی.
- 10- استفاده از منابع مادی، اقتصادی، فرهنگی، تاریخی و علمی جهان اسلام برای استقرار و گسترش تمدن اسلامی.
- 11- پرهیز از منازعات، کشمکشها و جنگهای که مسلمانان و نیروهای آنان را تضعیف کرده و در نهایت به تقویت جبهه کفر و استکبار میانجامد.
- 12- برگزاری مستمر جلسات، کنفرانسها و نشستهای علمی و پژوهشی در سطوح مختلف و در میان افشار مختلف تحصیل کرده، روشنفکر و عالمان جهان اسلام.
- 13- همزیستی مسالمت آمیز میان مسلمانان دیگر پیروان ادیان و اندیشههای دیگر با در نظر گرفتن:



کرامت ذاتی‌اشان، اعتقادیه یکی بودن منشأ انسان و انسانیت . آزادی عقیده و آزادی بیان.

14- تکیه بر اشتراکات زبانی، فرهنگی، مذهبی، دینی، انسانی و اخلاقی و احتراز از عوامل تنش‌زا و تعصب آمیز و افراطی .

15- تقویت ، گسترش تخصصی نمودن و تداوم بخشیدن به برنامه‌های مجمع تقریب بین المذاهب اسلامی و شناساندن اندیشه‌های متعالی، وحدت بخش، عالمانه و رهائی بخش مقام معظم رهبری به مسلمانان ، جوانان و اندیشه ورزان جهان اسلام از طریق برنامه‌ها و عملکردهای مدبرانه‌ای که این کنفرانس در دستور کار خود به عهده دارد.

[1] الحضارة 1977 د. حسین مؤنس سلسلة عالم المعرفة. المجلس الوطني للثقافة والفنون والأدب. الكويت.

[2] تاریخ ویل دوران ت جلد چهارم.

[3] ولایتی \_ پویای فرهنگ و تمدن اسلامی \_ 1 ص 25\_ 27.

[4] خدمات متقابل اسلام و ایران، ذبیح اله صفا 1371 .

[5] فصلنامه تاریخ اسلام ش 2 ، گوستاولیون تمدن اسلام و عرب.

[6] مقام معظم رهبری (مدظله العالی) دیدار با اقشار مختلف مردم 11/5/95.

[7] مقام معظم رهبري (مدظله العالی) در دیدار مسولان نظام و میهمانان کنفرانس اسلامی 8/10/94.

[8] بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران فیش های تمدن سازی نوین اسلامی.

[9] Ahmad. IAIUUNE3,2002/the RiseundFallofislamic.

[10] Abbdvllahi. Embi. M.r.B (2015) od Islamick

Evoluton of abstract veyetal ornaments.

[11] برخورد تمدن ها و بازسازی نظم نوین جهانی .

[12] گوستاولویون تاریخ تمدن اسلام و عرب ترجمه فخر ..... ص 702 .

[13] تاریخ تمدن اسلام و عرب ترجمه فخر گیلانی 704.

[14] آلدومیه لی علوم اسلامی و نقش آن در تحول علمی جهان - ص 106 .

[15] طقوش - 15 - 157 .

[16] طقوش 157 - 57 .

[17] محمد ابن ابراهیم شیبانی اوراق مجموعه من حیاة الشیخ الاسلام ابن تیمیه کویت.

- [181] ابن تيم جوزيه: عصره ومنهجه وآراوه في الفقه والعقائد والتصوف قاهره - 1387ق 1967.
- [191] النبي المسلح- الثائرون 317..
- [201] النبي المسلح1: الرافضون 38 .
- [211] النبي المسلح1 - الرافضون .
- [221] النبي المسلح 1؟ الرافضون 135 .
- [231] الحقيقة الغائبة الاعداد يوسف عيديمكي قاهره .
- [241] العيري 2005، مارس 27.
- [251] يازده سبتامبر آغاز عصري نو در سياست هاي - ترجمه حسين مرتضوي.
- [261] گزارش گروه مطالعات عراق دسامبر 2006.
- [271] فدوي عبدالقيوم 1381 - اسامه بن لادن و ما جراها.
- [281] گزارش گروه مطالعات عراق دسامبر 2006 .

([29]) گزارش بیگل هملتون دسامبر 2006 .

([30]) الحركات الاسلاميه في الوطن العربي اشراف عبدالغني بيروت.

([31]) مروان شحاده - تحولات الخطاب السلفي.

([32]) معجم مقاييس اللغه ، ج 5 - و 191 مفردات و 433 - 434 .

([33]) ابيكار الافكار ، ج 5، ص 26 .

([34]) (آشوري: داريوش دانشنامه سياسي.

([35]) عبدالباري عطوان، 2012 القاعده تنظيم سري، بيروت .

([36]) تخريب زيارتگاه اسلامي در كشورهاي عربي، احمد نامه ، قم دار الاعلام 1393 .

([37]) نصر حامد ابو زيد - چنين گفت ابن عربي ص 15 ، در ترجمه احسان موسوي خلخالي .